عکس: مهر

۳۰۰
سال

پیرعطا یکی از نوادگان امام موسی بن جعفر (ع) است و خیلی از مردم منطقه پامنار و عودلاجان به این امامزاده ارادت دارند. البته قدمت بنای این امامزاده بیش از ۳۰۰ سال است و کنار بقعه یک قبرستان بود و آن طرف تر هم زورخانه نجات

عودلاجان در حافظه «پیرعطا»

تهران قدیم در یک بقعه کوچک

گزارش
یوسف حیدری
گزارش نویس

از خیابان پامنار که به سه راه دنگی می‌رسی، نبش کوچه مشیرخلوت بقعه کوچک و سبز رنگ نمایان می‌شود؛ جایی که خیلی از اهالی پامنار به آن بقعه پیرعطا می‌گویند. بقعه کوچک امامزاده در قلب تهران قدیم با قدمت چند صد ساله که مرداد ماه سال ۸۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید. کسبه سه راه دنگی برکت زندگی‌شان را از همین بقعه می‌دانند و می‌گویند این بقعه تاریخ مجسم این محله است. چند سالی است این کوچه هویت وبافت سنتی‌اش را از دست داده و اطراف آن پاساژ تجاری و مغازه‌های فروش ورقه‌های آلومینیومی و فلزی احداث شده است. در میانه کوچه مشیرخلوت در چوبی سبز رنگی است که بالای آن نوشته شده بقعه و آستان متبرکه پیرعطا. پشتی‌های قرمز رنگ که به دیوارآجری تکیه داده شده جلوه خاصی به داخل بقعه داده است. با عبور از در چوبی انگار به صد سال قبل برمی‌گردی؛ آجرهای سفالی و گنبد آجری. گوشه حیاط کوچک امامزاده دو اتاق کوچک به چشم می‌خورد، جایی که رحیم طوبایی با همسر و دو دخترش آنجا زندگی می‌کنند. او از ۴۰ سال قبل خادم این امامزاده است. تاریخ پامنار و امامزاده و اطراف آن را مثل کف دست می‌داند. خیلی از گردشگران برای شنیدن تاریخ این منطقه سراغ او می‌آیند. می‌گوید بزرگ‌ترین افتخارش خادمی این امامزاده است و دو دخترش همین جا به دنیا آمده‌اند. وقتی حرف از تاریخ محله پامنار و عودلاجان و بقعه پیرعطا می‌شود نفس عمیقی می‌کشد و از زورخانه‌ای که کنار بقعه بود و حالا انبار شده و قبرستان قدیمی که الان هیچ اثری از آن نمانده می‌گوید.» همین جا به دنیا آمدم. در همین کوچه پس کوچه‌های پامنار بزرگ شدم و محرم و صفر تو همین بقعه سینه زدیم. قبل از انقلاب هم در این بقعه هیأت عزاداری برپا بود و هنوز هم خیلی‌ها با عشق در همین چند متر جا عزاداری می‌کنند. اینکه چطوری شدم کلیددار این بقعه به زمان جنگ برمی‌گردد. از جنگ که برگشتم شدم کلیددار بقعه پیرعطا. از بچگی دوست داشتم به زوار خدمت کنم و چه جایی بهتر از اینجا که کلی ازش خاطره دارم. سال‌های سال است که به زوار خدمت می‌کنم؛ از آشپزی گرفته تا رسیدگی به وضعیت در و دیوار بقعه و پذیرایی از زائران و حالا هم که محرم از راه رسیده برپایی هیأت عزاداری. هر شب جمعه اینجا دعای کمیل برپاست و خیلی‌ها به خاطر سادگی و صفای بقعه پیرعطا اینجا می‌آیند و یک گوشه‌ای برای خودشان دعا زمزمه می‌کنند. ۴۰ سالی می‌شود متولی این بقعه هستم.

حرف‌های آقا رحیم که به این جا می‌رسد به قدمت امامزاده و زورخانه‌هایی که تا چند سال قبل ورزشکاران در گود آن یاعلی می‌گفتند، اشاره می‌کند و می‌گوید: «پیرعطا یکی از نوادگان امام موسی بن جعفر(ع) است و خیلی از مردم منطقه پامنار و عودلاجان به این امامزاده ارادت دارند. البته قدمت بنای این امامزاده بیش از ۳۰۰ سال است و کنار بقعه یک قبرستان بود و آن طرف‌تر هم زورخانه نجات؛ زورخانه‌ای که خیلی از پهلوانان بنام ایران در گود این زورخانه ورزش می‌کردند. سردر زورخانه نجات نوشته بود سال تأسیس ۱۳۳۲. متأسفانه چند سال قبل گود این زورخانه را با خاک و نخاله پر کردند و الان شده انبار ورق استیل. متولی زورخانه هم سید مصطفی نجات بود؛ جوان ورزشکاری که در تکیه رضا قلی برای خودش قصابی داشت. داستان این زورخانه کنار بقعه هم جالب است. قبل از تأسیس زورخانه اینجا قبرستان بزرگی بود که قدمت خیلی زیادی داشت. سنگ قبرها شکسته بود و زباله و نخاله همه قبرستان را گرفته بود. چهره این محله را زشت کرده بود. با پیگیری اهالی و ورزشکاران محله سال ۱۳۳۲ قبرستان را صاف کردند و زورخانه تأسیس شد.

> کسبه سه راه دنگی برکت زندگی‌شان را از همین بقعه می‌دانند و می‌گویند این بقعه تاریخ این محله است. در میانه کوچه مشیر خلوت در چوبی سبز رنگی است که بالای آن نوشته شده بقعه و آستان متبرکه پیرعطا

آقا رحیم گوشه‌ای از دیوار کوچه منتهی به بقعه را با دست نشان می‌دهد و می‌گوید: اینجا یک اصله درخت چنار بود؛ درختی که قدمت آن به ۱۲۰۰ سال قبل برمی‌گشت. اما متأسفانه شهرداری در آن سال ها این درخت را قطع کرد. یکی از همسایه‌ها شکایت کرده بود که درخت چنار مزاحم است و شهرداری هم قطع کرد.»

گوشه محوطه بقعه دو اتاق به چشم می‌خورد؛ جایی که رحیم، همسر و دخترانش آنجا زندگی می‌کنند. می‌گوید زندگی ما و این امامزاده به هم گره خورده است و چه چیزی از این بالاتر که خانوادگی خادم این حرم هستیم. داخل بقعه ۱۲۰ متر است اما برای خودش دنیایی است. شب‌های جمعه اینجا غذا درست می‌کنیم و به نیازمندان می‌دهیم. خیلی از این کارتن‌خواب‌ها اینجا می‌آیند و غذا می‌گیرند. ضریح بقعه چوبی است که قدمت زیادی هم دارد و خودم آن را مرمت کرده‌ام. دیوارهای بقعه را هم تعمیر کردم. دوران کودکی خانه ما همین روبه‌روی بقعه بود و الان هم داخل محوطه حرم زندگی می‌کنیم. اما اینکه چرا به این امامزاده پیرعطا می‌گویند حکایت خودش را دارد. پیرعطا لقب این امامزاده است. لقب کامل این امامزاده، پیرعطا، زین العلا و عین العلا است. معنی این القاب بیشتر از بخشش می‌آید. جد این امامزاده هم که به امام هفتم(ع) برمی‌گردد. شجره‌نامه امامزاده قبلاً روی سنگ کنار بقعه حکاکی شده بود اما یکی از روزها دیوار ریخت و شجره‌نامه هم از بین رفت. دو دختر من در همین اتاق‌های داخل امامزاده به دنیا آمدند. یکی از آنها ۱۸ سال و دیگری هم ۱۷ سال دارد و کنار همسرم به زوار خدمت می‌کنند. برای کارهای خیر هم خیلی‌ها کمک می‌کنند و این کمک‌ها را به دست نیازمندان می‌رسانیم. وجود امامزاده در هر محله باعث خیر و برکت برای آنجا می‌شود و این مکان هم سال ۱۳۸۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید.»

آقا رحیم عکس‌های قدیمی بقعه را نشان می‌دهد و از گردشگرانی می‌گوید که برای دیدن بازار و محله عودلاجان و بقعه پیر عطا اینجا می‌آیند: «پیر عطا شناسنامه عودلاجان است. وقتی عودلاجانی وجود نداشت بقعه پیر عطا بود. از خیابان شهدا که قدیم موتورآب می‌گفتند تا سنگلج و پارک شهر و عودلاجان بخش اصلی تهران قدیم هستند. کنار همین مسجد دنگی آب انبار بود و میرآب هر روز آب را بین آب انبار خانه‌ها تقسیم می‌کرد. عودلاجان سرمنشأ آب بود و اقوام ناصرالدین شاه در این محله زندگی می‌کردند. روایت‌های مختلفی درباره علت انتخاب عودلاجان وجود دارد. در یکی از این روایت‌ها گفته شده اینجا حاج عباس پاچناری مغازه داشت و یکی از روزها مادر ناصرالدین شاه یکی از نوکران دربار را برای خرید عود به پامنار فرستاد. حاج عباس نتوانست عود برای دربار تهیه کند و جانش را از دست داد و به همین دلیل به این محله عودلاجان می‌گویند. اما روایت دوم به این بقعه برمی‌گردد. به پیر عطا اولاد جان می‌گفتند ولی در نقشه دوره قاجار عودلاجان به معنای سرمنشأ آب ثبت شده است. در فصل بهار و تابستان گردشگران زیادی به عودلاجان و پامنار می‌آمدند. زمان قاجار رجال نشین‌های تهران در پامنار زندگی می‌کردند. دو بازارچه صابون پزخانه و عودلاجان اینجا بود. وقتی به نام کوچه‌های اطراف این بقعه و عودلاجان دقت کنید متوجه می‌شوید چه رجال بزرگی اینجا زندگی می‌کردند؛ از میرزا محمود وزیر تا کمال‌الملک. گذر میرزا محمود وزیر در واقع باغ بزرگی بود. باغ و املاک این محدوده متعلق به میرزا محمود وزیر بود. بعد از مرگ او خانه‌ای را که اکنون به نام خانه فخرالملوک می‌شناسیم به دخترش رسید. خانه‌های اطراف این کوچه اکثراً خانه‌های اعیانی هستند و معماری ویژه‌ای از دوره قاجار دارند. اغلب خانه‌هایی که در گذر میرزا محمود به چشم می‌خورند سردرهای آجرکاری و پرنقش دارند. مثلاً یکی از کوچه‌های محله عودلاجان (میدان سرچال) به نام هفت کنیسه است که خیلی از راهنماهای تورهای گردشگری آن را نمی‌شناسند. دهه ۴۰ که یهودیان اینجا زندگی می‌کردند در این کوچه هفت کنیسه یا همان عبادتگاه بود. خیلی از لیدرهایی که همراه گردشگران به این محله و بقعه می‌آیند اطلاعات زیادی ندارند و اطلاعات درستی به توریست‌ها نمی‌دهند. مثلاً چند سال قبل یکی از گردشگران ایتالیایی سراغ زورخانه نجات را می‌گرفت. در کتابی خوانده بود در این زورخانه مردان قوی‌هیکل ورزش می‌کردند. او را به گود زورخانه بردم و عکس‌های قدیم آنجا را نشان دادم. خیلی خوشحال شد. زمانی که خودم در بقعه باشم سعی می‌کنم گردشگران خارجی را راهنمایی کنم و درباره این محله و بقعه به آنها اطلاعات بدهم.

صدای اذان از بلندگوی بقعه پخش می‌شود و چند نفری برای اقامه نماز وارد حیاط کوچک امامزاده می‌شوند. رحیم حرف‌های پایانی را می‌زند و خودش را برای نماز جماعت آماده می‌کند. می‌گوید: «همه چیز تغییر کرده و برای گردشگران بازگو کردن تغییرات تهران و محله‌های آن جالب است. مثلاً در زمان قاجار سه مکان نباید تغییر کاربری می‌داد؛ نانوایی، حمامی و زورخانه. قدیم کسی در خانه حمام نداشت ولی الان در هر خانه‌ای حمام است. خیلی از نانوایی‌ها هم تغییر کاربری ندادند اما بسیاری از زورخانه‌ها که ورزش سنتی ایران است تغییر کاربری دادند و تبدیل به انباری شده‌اند. شهرداری نباید اجازه بدهد این ورزش ملی و سنتی از بین برود. در همین سه راه دنگی چراغ زورخانه مرشد علی جان روشن بود اما چند سالی است که خراب شده است. در کوچه غریبان هم زورخانه بود اما آن هم از بین رفت.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوري در خانه‌هاي سفيد قرار دهيد كه هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌هاي كوچك ۳ در ۳ يكبار ديده شود

۴۲۶۵

آسان

			۱		۶			
	۱		۷	۴	۲	۵		۹
		۶				۸	۱	
۴		۷	۸	۲		۱		۵
۱								۸
۳		۸		۹	۱	۶		۲
	۷	۹				۴		
۶		۱	۲	۵	۴		۸	
			۶		۹			

متوسط

	۶		۴	۱			۳	
۱		۸	۶			۵		
						۱		
۹	۴	۷		۶				
	۲	۱		۴		۶	۸	
				۵		۷	۱	۴
		۹						
		۶			۴	۲		۳
	۳			۲	۱		۶	

سخت

		۳	۹	۵			۶	
	۱	۶			۳			
				۲		۵		۷
۶		۴	۲					
	۸						۹	
					۱	۴		۲
۸		۹		۱				
			۷			۱	۵	
	۵			۶	۸	۹		

خیلی سخت

				۹		۱		
	۴			۸			۶	
۳		۶	۵	۷				
۲								
۸	۳			۲			۵	۶
								۳
				۵	۶	۴		۱
	۲			۱			۹	
		۸		۳				

حل جدول سودوکو شماره ۴۲۶۵

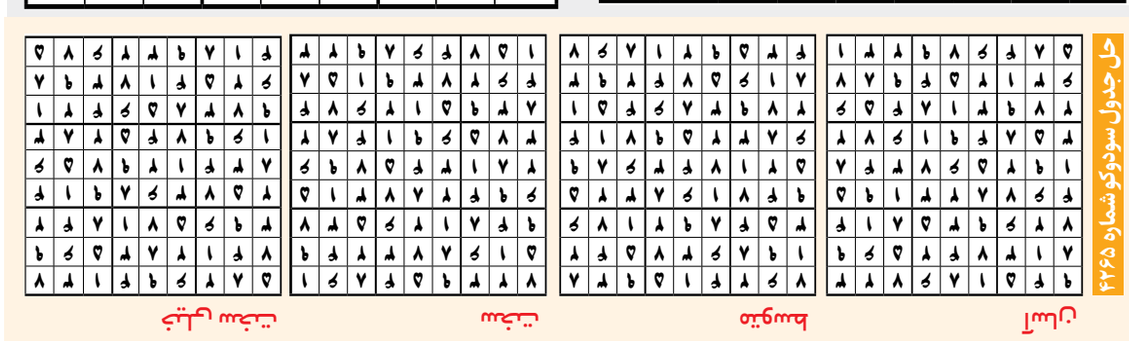

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۲۳۴

جدول عادی

افقی:
۱- موی سفید و سیاه - محصل زرنگ
۲- زور و توان - مونس، یار - نام دخترانه
۳- جرب - اثر دیدنی بیرجند - گردنبند
۴- سرطان خون - تذکره - رنگ - نفس خسته
۵- شالوده - راه رفتن کودک - خنده بلند
۶- گوارا، خوشایند - مِشگین‌شهر سابق - کسب و کار
۷- محکم، استوار - گزارش - از جان گذشته
۸- نوعی کامیون - اسب اصیل - آدم پرمدعا بسیار گوید
۹- پوشه رایانه‌ای - سلطه - حرف شروع الفبا
۱۰- مخفیانه - علاوه بر این - انبار گندم
۱۱- سخن گوشه‌دار - بی هنگام - گشاده
۱۲- عنصر گواتر - خشک‌مزاج - رمق - تمام کردن
۱۳- پارسنگ ترازو - نوعی پرتقال - سلام تلفنی
۱۴- استاد قصیده‌سرایی - فیلسوف یونانی - گوش کن ادبی
۱۵- آبی تیره - فیلم مریم بحرالعلومی (روی پرده سینما) با آخرین نقش‌آفرینی جاودانه علی انصاریان

عمودی:
۱- مکانی توریستی در شاهرود - جشنواره
۲- عامل ریز بیماری زا - جانوری کوچک با پوست گرانبها - پرنده ای مهاجر
۳- روغن نفتی - جلا و درخشش فلزی - بالای هر چیز
۴- جدید - درل - پیش‌شماره - تخم‌مرغ سرخ شده
۵- ناراستی در امانت - ابر سفید - مساوی
۶- اولین ماه پاییز - نوعی از شکلات - فهرست
۷- یاقوت سرخ - انقباض متناوب دیافراگم - زمان آینده
۸- نخستین درآمد روزانه کاسب - کارهای نیک - ظاهر بنا
۹- درجه گرما و سرما - وزنی معادل چهار جو - سوغات شهر مراغه
۱۰- قلوب - پادشاه ساسانی - مابین
۱۱- پسوند شباهت - آگاهی - برای بیماران قلبی مضر است
۱۲- گنجینه - لبه شمشیر - آسمان جُل - مارکی بر مایکروفر
۱۳- منظره - نوعی شناور دریایی - لباس شنا
۱۴- آینده - از لوازم آرایش - چراغ خوراک‌پزی
۱۵- زودرنج - نسیان

جدول ویژه

افقی:
۱- غذای محلی دامغان - هافبک «کاسیم پاشا»
۲- جمع رمز - شهر اثر تاریخی «کاخ باغچه جوق» - سنگینی معده
۳- موسیقی بندرعباس - بی کفایت - محو و نابودی
۴- رامشی عهد ساسانی - لبه شمشیر - رو ترش کردن - کجاست؟
۵- مخفف گند - جزء گوسفند - حزب سیاسی کوچک
۶- رعب - اصل و نژاد - نوعی کبک
۷- مشورت - گیاه و میوه پرآب - در مرتبه دوم قرار دارد
۸- پدر آذری - ماهی کوچک کنسروی - کوزه سفالی
۹- مربای محلی گیلان - شهر تاریخی کرمانشاه - راندن
۱۰- جد - ریز نمرات - قانون چنگیز
۱۱- کشور آسیایی - لقب - ناشنوا
۱۲- خرس فلکی - درون چیزی - بخار دهان - گوشه ها
۱۳- نرم و فصیح - شهر اثر زیارتی «بقعه عباس» - ترس شدید
۱۴- هوله - فیلم «آیشواریا رای» - سازمان پیمان مرکزی
۱۵- ده مرزی اردبیل - بازیگر فیلم اکشن «کینگزمن» (۲۰۲۱)

عمودی:
۱- گیاهی طبی - اثر دیدنی مراغه
۲- محل‌ها - حاکم ایالت - شورش
۳- نوعی زردآلو - از میوه ها - خجستگی
۴- خار سر دیوار - درختی که شباهت زیادی با کاج دارد - اشاره بعید - خودداری
۵- خباز - نوعی پارچه - حرف نفی
۶- عنب‌الثعلب - وزیر خسرو انوشیروان - کوزه آب
۷- مادر - حوزه نگاه - تلفظ حروف
۸- آرزو - از عناصر کمیاب - دختر ژوپیتر
۹- پر زور - فیلم کاظم ملایی (۱۳۹۹) - بازی زیبا
۱۰- خشکی بزرگ عالم - زندان مشهور پایتخت - ضمیر عربی
۱۱- حرف عطف - با «زد» آید - مشاور
۱۲- نجوای آهسته - بس - خطا - طرف
۱۳- نقطه‌ضعف - اصطلاحی در برنامه‌نویسی - عزم
۱۴- کیسه‌کش - با عاطفه - شهر «ژاپن»
۱۵- جشن سنتی فرنگی‌ها - فیلمی به کارگردانی هادی مقدم‌دوست

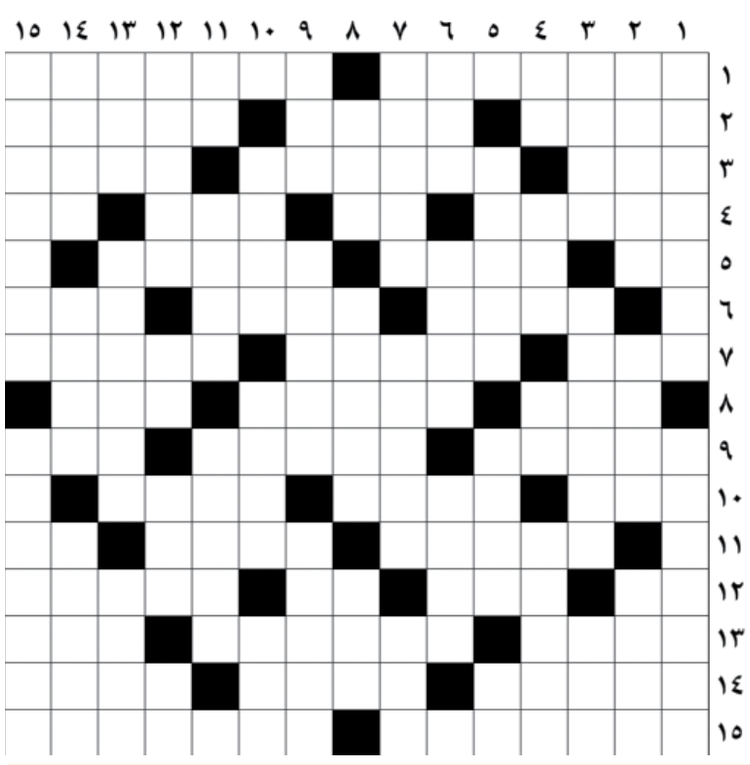

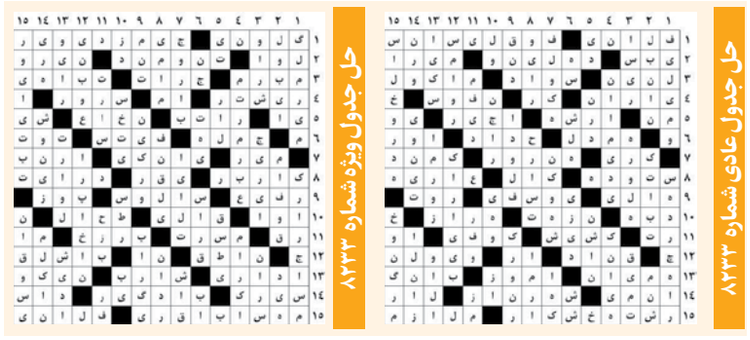
حل جدول عادی شماره ۸۲۳۴
حل جدول ویژه شماره ۸۲۳۴